

صاحب ایرانی یک شرکت سازنده عروسک به پرداخت غرامت به شرکت سازنده عروسک های «باربی» محکوم شد



مشکل «سوء استفاده از اموال و مالکیت شرکت ماتل و دخالت عمدی» در تعهدات «کارت بریان» در برابر شرکت «ماتل» شدند. «کارت بریان» در برابر قبول شرایطی که جزئیات آن اعلام نشد، در خارج از دادگاه با شرکت «ماتل» به توافق رسید. «اسحاق لاریان» در این زمینه گفت: تردیدی وجود ندارد که کارت بریان تصمیم درستی در زمینه امضای قرارداد با ما در حالی که در استخدام شرکت ماتل بود، اتخاذ نکرد، اما ما از این موضوع اطلاع نداشتیم و دلیلی برای مجازات شرکت ام جی ای انترتینمنت وجود ندارد. این رای ممکن است موجب پرداخت میلیون ها دلار غرامت به شرکت ماتل شده و حتی خط تولید عروسک های برتر را نیز در اختیار آن قرار دهد. اما در شرایطی که این رأی قطعی به نظر می رسد، گفته های یکی از اعضای هیأت منصفه در جریان تصمیم گیری در مورد این پرونده، احتمال تغییر در رأی صادره را به وجود آورد. این عضو هیأت منصفه که یک زن می باشد، ایرانیان را افرادی «خیره سر و خشن» و «دزد» نامیده که «آیپد های دیگران را ربوده اند.»

شرکت «ام جی ای انترتینمنت» از دادگاه خواست رأی هیأت منصفه در این زمینه را لغو کند و قاضی دادگاه نیز روز دوشنبه ۱۴ مرداد ۴ آگست را برای تصمیم گیری در این زمینه تعیین کرد. بنابر اسناد دادگاه این عضو هیأت منصفه گفته است که شوهر وی دارای همین «خصوصیات ایرانیان» است. یکی دیگر از اعضای هیأت منصفه این مطلب را به اطلاع قاضی دادگاه رسانده است.

اسحاق لاریان، مدیر اجرایی شرکت «ام جی ای انترتینمنت» ممکن است به دلیل صدور این رأی دچار ورشکستگی شود.

واشنگتن - سرویس خبری ایران تایمز: یک ایرانی مقیم آمریکا که صاحب شرکت سازنده یک نوع عروسک معروف است که سالیانه میلیون ها دلار برای وی درآمد تولید کرده است، اکنون در دادگاهی در کالیفرنیا در مورد استفاده از طرح یک شرکت دیگر جهت ساخت این عروسک محکوم شناخته شده است. اما گفته های یکی از اعضای هیأت منصفه دادگاه در مورد «خیره سری و خشونت» ایرانیان ممکن است موجب تجدید محاکمه شود.

هیأت منصفه یک دادگاه منطقه ای آمریکا در «ریورساید - Riverside» کالیفرنیا پس از یک محاکمه ۷ هفته ای، شرکت «ام جی ای انترتینمنت - MGA Entertainment» که «اسحاق لاریان» یک ایرانی یهودی مقیم آمریکا مالک آن است را در مورد نقض حقوق مالکیت شرکت «ماتل - Mattel» سازنده عروسک های باربی محکوم شناخت. محکومیت شرکت «ام جی ای انترتینمنت» که سازنده عروسک های «برتز - Bratz» رقیب عروسک های باربی می باشد ممکن است موجب ورشکستگی اسحاق لاریان گردد. هیأت منصفه دادگاه بر اساس تصمیمی که به اتفاق آرا در این مورد اتخاذ کرد، اعلام داشت بخش اعظم طراحی و ساخت عروسک «برتز» توسط «کارت بریان» طراح عروسکی در زمانی که هنوز در استخدام شرکت «ماتل» بود تهیه شده به همین دلیل متعلق به این شرکت می باشد. بر اساس اسناد ارایه شده به دادگاه، «کارت بریان» در سال ۲۰۰۰ در زمانی که هنوز در استخدام شرکت ماتل بود قراردادی با اسحاق لاریان امضا کرد و طرح عروسک های برتر را به شرکت وی فروخت. «کارت بریان» یک ماه بعد از شرکت «ماتل» استعفا داد و شرکت «اسحاق لاریان» نیز عروسک های «برتز» را در سال ۲۰۰۱ وارد خط تولید کرد و توانست از راه تولید این عروسک ها و حقوق مربوطه، به درآمد سالیانه ای برابر با «یک میلیارد دلار» دست یابد. بر اساس نظر هیأت منصفه دادگاه، «شرکت ام جی ای انترتینمنت» و «اسحاق لاریان» مدیر اجرایی این شرکت،

باد هر جا بخواهد می وزد

حمید رضا هوشمند



دیروز برام ماجرای اتفاق افتاد که فهمیدم در سن چهل سالگی هم به اعتماد به نفس لازم و کافی نرسیدم و هنوز با آدمها رودروایی دارم.

حوالی ظهر پس از انجام کاری، قصد بازگشت به اداره رو داشتم و منتظر تاکسی برای میدان ۷ تیر بودم که ناگهان یک موتور پچید جلوی من! اول احساس کردم به دوسته که میخواد سر به بذاره! ولی اینطور نبود. ما با هم هیچگونه آشنایی قبلی نداشتیم و تا اون لحظه هرگز قرار ملاقاتی با هم نداشتیم. بدون سلام و بدون اینکه نظر منو بیرونه با لحنی کاملاً امری گفت: همینجا ایستاد خودم میام می رسونمت! اونقدر این جمله رو از نظر دستوری و امری خوب ادا کرد که سرجم میخکوب شدم و جرات نکردم تکون بخورم. با خودم فکر کردم ممکنه آدم خطرناکی باشه ولی او دقیقاً برعکس من فکر می کرد. اونقدر راحت و ریلکس بود، انگار که چهل ساله هر روز همونجا با هم قرار می دارم، سوار موتور میشیم و میریم فرزند، کباب می خوریم و برمی گردیم! موتورش رو به من سپرد و رفت! با اینکه چند تا تاکسی جلوی پام ترمز کردن ولی به خودم اجازه ندادم سوار شم. یه جوری که منو نبیننه، سرمو برگردوندم و آروم نگاه کردم ببینم کجاست! ایستاده بود توی صف نون بربری! حواسش پرت بود و فرصت خوبی برای فرار در اختیار داشتم ولی مطمئن بودم تا هرجای دنیا هم که فرار کنم، بالاخره با موتور پدم میام می کنه!

خیلی مراقب بودم که وقتی به من نگاه می کنه، مودب باشم و خطای ازم سرزنه، بهترین حالت این بود که در همون وضعیتی که بودم باقی بمونم و تکون نخورم. اگر تکون می خوردم ممکن بود احساس کنه که می خوام در رم. بالاخره با دو تا بربری برگشت. هر دو تا رو داد دست من! خودش موتور رو راه انداخت و به من گفت: بپر! با اینکه دیگه ۴۰ سالمه و از پریدن گدشته ولی موتور اونقدر کلمه "بپر" رو (از نظر دستوری) خوب ادا کرد که دیدم هیچ چاره ای جز پریدن ندارم. آنچنان قشنگ (از نظر اطاعتی) پریدم روی ترک موتور که خودم تعجب کردم. از یه چیزی خیلی دلخور بودم: دلم میخواست حتی اگه برای تعارف هم که شده ازم می پرسید اصلاً به موتور سواری علاقه دارم یا نه! شاید من دوست نداشتم باشم سوار موتور بشم! شاید به ترک موتور حساسیت داشته باشم... و شاید های بسیار دیگر! چون پاهام روی هوا بود، تعادل نداشتم و چون توی یک دستم نون بود، فقط با دست دیگه می تونستم خودمو روی موتور نگه دارم! چون جای مناسبی برای گرفتن دستم پیدا نمی کردم، تا جائیکه امکان داشت با متمرکز کردن همه قدرتم در عضلات محل نشستن بر روی موتور، سعی کردم خودم رو به ترک موتور بچسبونم. بهترین کار این بود که دستمو حلقه کنم دور کمر موتور! ولی این کار اصولاً منطقی به نظر نمی رسید، چون حتی اگر فرض رو بر دوستی میداشتم، باز هم عمر دوستیمون خیلی کوتاهتر از اون بود که بشه چنین کاری کرد، هرچند که اصلاً دوستی بین ما وجود نداشتم. راه دوم این بود که انگشتمو بنادام توی بند شلوارش! احساس خوبی از این کار نداشتم.

ممکن بود بهم شک کنه و من نمی خواستم در همین ابتدای راه سوختفاهی بین ما به وجود بیاد. دلم میخواست دستم نزدیک کیف پولش که توی جیب عقب شلوارش بود، نباشه تا به وقت فکر نکنه که من می خوام کیفشو بزنم. موتوری با اینکه در خط مقدم برخورد با باد قرار داشت، راحت حرف میزد و اظهار نظر می کرد. گاهی نظر من رو هم جویا می شد ولی من نمیدونستم چی باید بگم و با چه لحنی باید حرف بزنم! به لال شده بودم. فقط بیکار تمام انرژیمو جمع کردم

پیاده روی منظم سالمندان و حفظ استقلال در زندگی شخصی



روی مزایای بی شماری برای سلامتی دارد که در نتیجه به سالمندان کمک می کند در زندگی روزمره خود مستقل باشند. پژوهشگران در این مطالعات به طور تصادفی ۲۶ فرد بزرگسال را از طبقه کم درآمد و در سن ۶۰ سالگی به بالا انتخاب کرده و برای آنها برنامه گروهی تمرین پیاده روی تعیین کردند.

هر نوبت تمرین این افراد باید ۱۰ دقیقه به طور مداوم راه می رفتند. پس از گذشت یک هفته این زمان به ۴۰ دقیقه مداوم افزایش پیدا کرد.

همچنین هر جلسه با ۱۰ دقیقه گرم کردن بدن آغاز و با ۱۰ دقیقه خنک کردن بدن پایان می یافت تا تعادل و انعطاف پذیری در تمرینات رعایت شود.

آن، جورجیا- پژوهشگران آمریکایی معتقدند، افراد سالمند می توانند با انجام پیاده روی های منظم، استقلال خود را در انجام کارهای شخصی و زندگی روزمره تا «۴۱ درصد» احیا کنند. این پژوهش که جزئیات آن در مجله «درمان جسمی سالمندی - Journal of Geriatric Physical Therapy» به چاپ رسیده، نشان می دهد که شرکت کنندگان در یک برنامه تمرین پیاده روی همچنین نقطه اوج ظرفیت هوازی- به معنی حداکثر دریافت اکسیژن- خود را تا ۱۹ درصد بالا برده و به این ترتیب در مقایسه با گروه کنترل عملکرد فیزیکی آن ها ۲۵ درصد بهبود پیدا می کند.

دکتر «م.الاین کرس - M.Elaine Cress»، پژوهشگر دانشگاه جورجیا در بیانیه ای اظهار داشت: طی دهه گذشته، پژوهشگران روی مزایای آموزش های تقویتی در حفظ استقلال فردی متمرکز شده اند اما از آن زمان تاکنون شواهد مطلوبی در دست نبوده که نشان دهنده تأثیر مثبت پیاده روی منظم در این زمینه باشد. در حالی که در پژوهش اخیر، متخصصان دریافته اند: پیاده

«کراک»، جایگزین مواد مخدر سنتی

ایران تایمز: یک مقام درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر در ایران، اعتیاد جوانان ایرانی به مواد مخدر کراک را مسأله اول اعتیاد جوانان در کشور اعلام کرد و گفت: «متأسفانه نمی توانیم الگوی خاصی برای درمان اعتیاد به کراک در ایران تعریف کنیم.»

«دکتر سعید صفاتیان»، مدیر کل درمان و بازپروری ستاد مبارزه با مواد مخدر در ایران شمار کنونی مراکز درمان اعتیاد در ایران را «یکهزار و ۳۰۰» مرکز اعلام کرد و گفت: تمرکز بسیاری از مراکز درمان اعتیاد در ایران بر موضوع درمان اعتیاد به کراک است که «۲۶ درصد» معتادان را درگیر کرده و این در حالی است که می توان گفت: کمتر از یک سال پیش، تمرکز این مراکز بر روی مواد مخدر سنتی مصرفی در ایران یعنی تریاک و هروئین معطوف بود و این چرخش، لزوم افزایش سرعت ارگان های درگیر در امر مبارزه با اعتیاد در ایران به ویژه نهادهای درمانی به نسبت سرعت مواد جدید اعتیادآور سخت از جمله کراک را نشان می دهد.

کراک نوعی کوکائین است که بسیار محدود و در وزن های پایین در حد ۱۰۰ تا ۲۰۰ گرم توسط مسافران از طریق بعضی کشورها از جمله مالزی، تایلند و هند- وارد ایران می شود و گرمی «۱۵۰ هزار تومان» حدود «۱۶۲ دلار» در بازار سیاه تهران و سایر شهرهای ایران در اختیار علاقه مندان آن قرار می گیرد. گفته می شود کراک های موجود در ایران ۱۵۰ برابر هروئین قدرت تخریبی بر فکر، مغز و اعصاب دارد و حتی منجر به مرگ های فجیعی می شود. بررسی های اخیر نشان می دهد «۲ درصد» جوانان ایرانی سابقه مصرف تفنی کراک را دارند.

سابقه زندانی شدن به جرم سرقت است. مشخصات متهم به قتل اعلام نشده و از او به عنوان «جوان متهم به قتل» یاد شده است. در شماری از گزارش ها نام وی «امید» و در



شماری دیگر «بابک» ذکر شده است. تحقیقات در مورد این پرونده همچنان ادامه دارد.

منابع خبری به نقل از وی نوشته اند که به دلیل «شکست» در چند «رابطه ای» که با جنس مخالف برقرار کرده بود وی از همه زنان «نفرت» داشته و به همین دلیل آنها را می کشته است. مأموران انتظامی احتمال می دهند که تعداد قتل ها بیش از ۸ نفر است و ممکن است «قاتل» اجساد برخی از قربانیان خود را پنهان کرده است. همه قربانیان زنان جوانی بوده اند که سن آنان میان ۲۴ تا ۳۵ سال بوده است.

بر پایه گزارش های پیشین، در سال ۱۳۸۴ فردی به نام «محمد بیجه» که دستکم ۱۷ کودک را پس از تجاوز جنسی به آنان در مناطق جنوبی تهران کشته بود اعدام شد و در سال ۱۳۸۰ نیز در شهر مشهد، مردی به نام «سعید حنایی» به کشتن دستکم ۱۶ زن در این شهر اعتراف کرد و دلیل خود را «مبارزه با فساد» اعلام کرد. وی یک سال بعد اعدام شد.

در کرج، مردی به اتهام قتل «۸ زن جوان» دستگیر شد

«شکارچی شب» را به او داده اند در بازجویی های اولیه گفت که همسر ۱۷ ساله وی نیز در جریان قتل ها بوده و به او کمک می کرده است. وی گفت: زمستان سال گذشته تصمیم گرفتم زنانی که پوشش نامناسب داشتند را به قتل برسانم. با پرسه زدن در کرج طعمه هایم را شکار می کردم. زنان را بین ساعت ۴ تا ۶ عصر با غافلگیری می کردم، با دست گلویشان را می فشردم و زمانی که نیمه جان روی زمین می افتادند، با روسریشان خفه شان میکردم، طلا و لوازم باارزش آن ها را بر می داشتم و جسد قربانی هایم را در ملحفه ای پچیده و پس از ساعت ۹ شب در خیابانی رها می کردم. به گفته وی، همسر او از نخستین و دومین جنایت خبر نداشته ولی از بقیه قتل ها آگاه بوده و به نحوی با او همکاری می کرده است. همسر او که نام وی «مریم» معرفی شده و همسر قاتل او وی را «ساحره» می نامد به بازپرسان گفت شوهر وی با اتوبیل خود مسافر کشی می کرده و در بهمن ماه گذشته مقداری طلا و جواهر برای به فروش رساندن به او داد و گفت که از یک «دزد» این جواهرات را خریده است. وی افزود پس از چندی و به دنبال مشاخره در مورد ارتباط داشتن وی با زنان دیگر، وی اعتراف کرد که دو زن را کشته و طلا و پول آنها را سرقت کرده.

به نوشته منابع خبری جمهوری اسلامی از قتل سوم به بعد همسر ۱۷ ساله «شکارچی شب» نیز در جریان قتل ها بوده و پیش از هر قتل خانه را ترک می کرده و در بازگشت طلا و جواهرات قربانیان را به فروش می رسانیده است. مقامات انتظامی اعلام کرده اند که متهم به قتل زنان دارای ۷ بار

قاتل قربانیان را با استفاده از روسری خود آنها خفه و جسد آنها را در خیابانی پرتف و آمد رها می ساخت. منابع خبری ایران به وی «شکارچی شب» لقب داده اند.

واشنگتن - سرویس خبری ایران تایمز: جوانی که به قتل دستکم «۸ زن» در ایران اعتراف کرده، دستگیر شد. از شش ماه گذشته که جسد قربانیان وی در خیابان های پرتف و آمد کرج رها می شد مأموران پلیس به دنبال یافتن وی بوده اند. منابع خبری جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۲ تیر- ۱۲ جولای گزارش دادند نیروی انتظامی استان تهران «مرد جوانی» را به اتهام قتل دستکم «۸ زن جوان» در شهرستان کرج دستگیر کرد. بر پایه این گزارش در بهمن ماه گذشته جسد یک زن ۳۰ ساله که با روسری خود خفه شده بود در «کمال شهر» کرج کشف شد و پس از آن در اسفند، فروردین و اردیبهشت اجساد چند زن دیگر که به صورت مشابهی به قتل رسیده بودند در مناطق مختلف کرج کشف شد. پس از کشف اجساد که همه در محل های پرتف و آمد در حالی که در «ملحفه» پچیده شده بودند رها شده بود، مأموران قتل ها را «زننجیره ای» تلقی کرده و تحقیقات خود را آغاز کردند.

در خرداد ماه ۳ جسد دیگر نیز کشف شد و به این ترتیب تعداد اجساد زنان مقتول به ۸ رسید. به گفته رئیس پلیس تهران که نام وی «علیرضا اکبرشاهی» اعلام شده، فرد مظنون که مرد جوانی است، پیش از دستگیری مدتی زیر نظر مأموران قرار داشت ولی پس از انتشار خبر «قتل های زننجیره ای» در منابع خبری، فرار کرده است، ولی پس از ادامه تحقیقات و پیدا کردن سرخ هایی از فرد متهم به قتل، وی ماه گذشته به همین اتهام بازداشت شد و «در جریان تحقیقات و بازجویی های به عمل آمده» به ارتکاب تعدادی از قتل ها اعتراف کرد. متهم به قتل زنان که رسانه های گروهی تهران لقب